



Analysis of Child and Adult Narrator's Communication Network with Structure and Meaning in the Poem Parvin Etesami

Fazlollah Khodadadi 

1. Corresponding Author, Department of Persian Language and Literature, University of Imam khomayni International, Qazvin, Iran. E-mail: khodadadi@hum.ikiu.ac.ir

Article Info

ABSTRACT

Article Type:
Research Araticle

Article History:

Received:
23, January, 2024

In Revised form:
19, June, 2024

Accepted:
28, July, 2024

Published Online:
10, March, 2024

The purpose of this study is to examine the structural classification and the network of communication between child and adult narrators and their relationship with the structure and process of creating meaning in the Parvin Etesami Court. a contemplation in the court of Parvin Etesami indicates that in some of his poems we are faced with the narrator of a poor or orphaned child who, with a shouting question or a question of social -, expresses the Sabbath It has a protest and a question or, with an innocent childish look, it puts class differences into discussion. What is seen in the continuation of the child-centered poems of Parvin is the existence of a kind of communication network on two structural-educational axes in such poems. According to the structure, the narrative begins with the narrator of the child, man or bird, and then begins with the narrator of a child, and then with the narrative of an adult, usually mother, to do so, and so on, this type of education is educational From the narrative lies in the network of communicative and contextual-ings, which, with the mother's answer to the child's question, with three types of reaction (approval) Null and void conveys a moral message to the audience. The results of the research show that the process of initiating the narrative with the narrator of the child and entering the adult has two major structural-meaning goals and provides a special sequence in Parvin's poem.

Keywords: child narrator, narrator wald, communication networks, question, Boutiqa, Parvin Etesami.

Cite this The Author(s): Khodadadi, F: 2024. Analysis of child and adult narrator's communication network with structure and meaning in the poem Parvin Etesami, Persian Litreture Vol. 13, No. 2, Serial No. 32- Autumn-Winter., (119-133). DOI: [10.22059/jpl.2024.371477.2231](https://doi.org/10.22059/jpl.2024.371477.2231)



Published by: University of Tehran Press



تحلیل شبکه ارتباطی راوی کودک و بزرگسال با ساختار و معنا در شعر پروین اعتصامی

فضل الله خدادادی^۱

۱. نویسنده مسئول، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه بین المللی امام خمینی ره، قزوین، ایران. رایانامه: khodadadi@hum.ikiu.ac.ir

چکیده	اطلاعات مقاله
هدف پژوهش حاضر طبقه‌بندی ساختاری و بررسی شبکه‌های ارتباطی راویان کودک و بزرگسال و ارتباط آنها با ساختار و فرایند خلق معنا در دیوان پروین اعتصامی است. تعمق در دیوان پروین اعتصامی نشان می‌دهد که در برخی از اشعار وی با راوی کودکی فقیر یا یتیم مواجهیم که با پرسشی فریادگونه یا مساله‌ای اجتماعی را بیان می‌کند که صبغه اعتراضی و سوالی دارد و یا با نگاه معصوم کودکانه اختلافات طبقاتی را به بحث می‌گذارد. آنچه در بوطیقای اشعار کودک محور پروین دیده می‌شود، وجود نوعی شبکه ارتباطی در دو محور ساختاری- تعلیمی در این گونه اشعار است. بُعد ساختاری به گونه است که روایت با راوی کودک(انسان یا پرنده) شروع می‌شود و در ادامه با روایت یک بزرگسال(معمولا مادر) به انجام می‌رسد و بُعد تعلیمی این نوع از روایت در شبکه‌های ارتباطی و بن مایه‌های متن نهفته است که با جواب مادر به پرسش فرزند، با سه نوع واکنش(تاییدی، باطل و استفهامی) یک پیام اخلاقی به مخاطب منتقل می‌کند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که فرایند آغاز روایت با راوی کودک و ورود بزرگسال به آن، دو هدف عمده ساختاری- معنایی دارد و بوطیقای خاصی را در شعر پروین بنا می‌کند.	<p>نوع مقاله: علمی- پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۰۳</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۱۱/۳۰</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۰۹</p> <p>تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۲/۲۰</p> <p>واژه‌های کلیدی: راوی کودک، راوی والد، شبکه‌های ارتباطی، سوال، بوطیقا، پروین اعتصامی.</p>

استناد: فضل الله خدادادی(۱۴۰۲)، تحلیل شبکه ارتباطی راوی کودک و بزرگسال با ساختار و معنا در شعر پروین اعتصامی، ادب فارسی، سال ۱۳، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۲، پیاپی ۳۲..(۱۱۹-۱۳۳).
DOI: 10.22059/jpl.2024.371477.2231



ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

۱. مقدمه

پروین اعتصامی از شاعران برجسته در ادبیات فارسی است که اشعارش هم وجهه تعلیمی و اجتماعی دارند و هم تاثیرات جنسیت زنانه در روایت پردازی آن‌ها به چشم می‌خورد. تلفیق این دو ویژگی منجر به شکل‌گیری بوطیقای خاص در کلام این شاعر گردیده است به گونه‌ای که وجود راوی کودک (اکثراً یتیم، فقیر و ناتوان) در اکثر اشعارش با سوالاتی فریادگونه، وضعیت اجتماعی عصر وی را به نمایش می‌گذارد و این تلفیق دوگانه در آغاز کلام با وجه سوالی و اعتراضی، آن هم از جانب کودکی با دنیایی پاک و بی‌آلایش نشان می‌دهد که ورود کودک به دنیای روایت و برعهده گرفتن نقش راوی آغازگر، نوع خاصی از بوطیقای روایت را به نمایش می‌گذارد و در پس آن فریادی اعتراض‌گونه به نابرابری‌های اجتماعی، سختی‌ها و مشقت‌های آدمی در زندگی روزمره، ناآگاهی از دام‌های مزوران، ظلم و ستم حاکمان عصر نویسنده، ... وجود دارد.

در تکملاً روایت ورود شخصیت والد (بزرگسال / عمدتاً مادر) به روایت و پاسخ به سوالات کودک، هم تصویرگر اوضاع اجتماعی عصر نویسنده و تلاطمات دوران وی است و هم در پس کلامش نکته‌های اخلاقی - اجتماعی نهفته است که روایت شنو (مخاطب) را با پیامی در انتهای کلام اقناع می‌کند. نکته بارز دیگری که اشاره به خاص بودن بوطیقای پروین دارد، وجود شیوه‌ای خاص در پیام‌رسانی و قناع به مخاطب است و آن «ارتباط نوع واکنش مخاطب درون متن» (در قطعات و مثنویات) و ارتباط آن با مضمون و محتوای متن است، به طوری که پس از تأمل در شعر وی دریافتیم که بین نوع راوی کودک و گفتار والد از نظر مضمون و معنا نوعی ارتباط وجود دارد و در کل متن متجلی گردیده است.

هدف پژوهش حاضر واکاوی شبکه‌های ارتباطی راویان با ساختار و معنا در دیوان پروین اعتصامی است و نگارنده می‌کوشد تا سه مقوله مهم در بوطیقای روایت پروین را تحلیل نماید و نشان دهد که جایگاه راویان و ارتباط آنها با ساختار متن چگونه منجر به ایجاد پیام در شعر پروین گردیده است.

۱-۱. مسأله پژوهش

با آن‌چه گذشت، مسأله اصلی مقاله حاضر، این است که چگونه در شعر پروین، ارتباط و جایگاه راوی کودک با بزرگسال و پیوند آن با ساختار منجر به تولید پیام گردیده است؟

۱-۲. پیشینه پژوهش

پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که پژوهش‌هایی درباره ساختار شعر پروین اعتصامی انجام شده است که هر کدام به نوعی یکی از وجوه ساختاری شعر پروین را مطرح نظر داشته‌اند. به عنوان مثال خلیل بیگ‌زاده و همکار (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان: «بازنمایی اصول کلاسیسم و نئوکلاسیسم در شعر پروین اعتصامی»، برخی از ویژگی‌های ساختاری شعر پروین از جمله: اخلاق فردی و اجتماعی و عقل‌گرایی را بررسی کرده‌اند. همچنین بهمن گرجیان و همکار (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان: «ساختار شکنی و هنجارگریزی تطبیقی نحوی، واژگانی و زمانی در شعر پروین اعتصامی»

به بررسی هنجارگریزی نحوی، واژگانی و زمانی در قطعات، مثنویات و منظومات پروین اعتصامی پرداخته‌اند. حنیفه کردنده (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان: «جلوه‌های کلاسیسیسم در اشعار پروین اعتصامی» برخی ویژگی‌های مکتب کلاسیک از جمله توصیف، زمان، مکان و... را بررسی کرده است. همان گونه که از پیشینه تحقیق بر می‌آید، ذکر نمونه‌هایی از چندین پژوهش انجام شده نشان می‌دهد که پژوهش‌های پیشین به نوعی جنبه‌های بلاغی و زبانی شعر پروین را مورد بررسی قرار داده‌اند، اما در این پژوهش برآنیم تا با تمسک به نظریه ژپ لیت ولت^۱ چهارنوع واکنش مخاطب درون‌متن در شعر پروین را بررسی کنیم و فرایند خلق معنا در کلام تعلیمی-اجتماعی وی را با رویکردی جدید بررسی نماییم.

۳-۱. چارچوب نظری پژوهش

اساس چارچوب نظری این پژوهش بر مبنای ارتباط راوی کودک و والد و نوع واکنش مخاطب درون‌متن در اشعار پروین اعتصامی است. نگارنده جهت علمی بودن ادعاهای خود از نظریه نوع واکنش مخاطب درون‌متن در کتاب ابعاد روایت‌پردازی، مضمون، ایدئولوژی، هویت اثر ژپ لیت ولت مدد گرفته است. این نظریه نشان می‌دهد که دو نوع مخاطب در ادبیات داستانی وجود دارد: مخاطبی برون‌متنی (خواننده) و مخاطب درون‌متنی (روایت‌گیر/ روایت‌شنو) و آنچه در متون تعلیمی- اجتماعی باعث خلق معنا می‌گردد، فرایند خطاب راوی یا کنشگر به مخاطب درون‌متن و سپس انتقال پیام به خواننده است. البته نوع واکنش مخاطب درون‌متن در خلق و انتقال پیام بسیار تاثیرگذار است. لیت ولت می‌گوید این واکنش می‌تواند یکی از انواع: تائیدی، باطل یا استفهامی باشد که هر کدام ساختاری منحصر به فرد دارد، بر همین اساس در این پژوهش با تکیه بر نظریه ژپ لیت ولت بر آنیم تا به ترسیم بوطیقای از شعر پروین نائل شویم.

۲. بحث

۱-۲. شعر روایی پروین و جایگاه راویان آن

شعر پروین یک شعر روایی است و شعر روایی: «به زبان ساده، شعری که داستان می‌گوید» (گری، ۱۳۸۲: ۲۱۴). در واقع شعر روایی، روایتی خطی است که ابزار بیان آن شعر/ نظم است و بین اجزای آن ارتباطی علی و معلولی وجود دارد به طوری که ترکیب اجزای کلام (شخصیت، پیرنگ، حادثه، مکان، زمان و...) تشکیل یک کل به هم پیوسته می‌دهد که در پس آن معنایی نهفته است. در شعر روایی «شخصیت به خاطر ایجاد و پیشبرد حوادث طرح، در داستان حضور دارد، اما این شخصیت در بیرون از حوادث نیز وجود دارد. اگر شخصیت در بیرون از حوادث داستان وجود نداشته باشد، خود حوادث نیز اعتباری نخواهد داشت (سلیمانی، ۱۳۷۵: ۳۵۸). گاه شخصیت در شعر روایی/ همانند داستان، نقش راوی را بر عهده دارد و «راوی، کسی که داستان را در روایت خاصی حکایت می‌کند، یا گمان می‌رود که حکایت می‌کند» (کادن، ۱۳۸۰: ذیل راوی). راوی در روایت کارکردهای مختلفی دارد؟

شرایط روزگار پروین ایجاب می‌کرد که شاعر تنها بیانگر زیبایی‌ها و افکار لطیف و باریک خویش نباشد. پروین اعتراض به ظلم‌ها و بیدادگری‌ها را در شعر خویش با زبانی تند و کوبنده نشان می‌دهد و چون مردی مبارز خواهان حق و عدالت می‌شود. پس در این مواقع ناچار است روح لطیف و بیان زنانه خود را کنار بگذارد و مردانه سخن گوید تا کلامش موثر واقع شود (خادم ارغدی، ۱۳۸۹: ۵۸). یکی از ویژگی‌های شعر پروین، وجود راویان کودک است. این راوی که یکی از شخصیت‌های حکایت است «در درجه اول یک سخن‌گوست و این شخصیت برای گفت و گو خلق شده است» (حکیمی و کاموس، ۱۳۹۱: ۷۹). وجود راویان کودک فقیر، یتیم و بیمار از مولفه‌های شعر روایی پروین است.

این کودکان راوی با نوعی فریاد اعتراض گونه با دلی پاک و بی‌آلایش به اعتراض به نابرابری‌های زمانه خویش اقدام می‌کنند و کارکردهای روایت‌گری متعددی دارند. بارزترین دلیل انتخاب کودکان به عنوان راویان معترض در شعر پروین، پاکی این راویان و راست‌گویی آنان است. این موضوع (انتخاب راویان کودک به دلیل پاکی و راستی) در ادبیات داستانی فارسی نیز نمود دارد. صادق چوبک در داستان کوتاه عدل که یک داستان ناتورالیستی اعتراضی است، راوی کودک را در برابر راویان کهن سال ناپاک می‌آورد که نگاهی مادی به دنیا دارند و تنها کسی که در داستان با پاکی و بی‌آلایشی سخن می‌گوید و حرف راست و غیر مادی می‌زند، کودکی است که از پدرش سوال می‌پرسد. قصه از این قرار است که اسبی با حالتی بسیار حزن‌انگیز در جوی آبی افتاده است و دستش شکسته است، اما هر عابری که می‌رسد، نگاهی مادی به اسب دارد و نجاتش نمی‌دهد. مثلاً مردی که در کار چرم است، راجع به پوست اسب نظر می‌دهد و... اما در آخرین سکانس داستان، کودکی لب به سخن می‌گشاید و می‌گوید: «پسر بچه ای که دستش توی دست آن مرد بود، سرش را بلند کرد و پرسید: بابا جون درشکه چیش درشکشو با چی برده برسونه؟ مگه نه اسبش مرده؟» (چوبک، ۱۳۸۲: ۲۸۲). در شعر روایی پروین اعتصامی نیز این پاکی و بی‌آلایشی کودکان راوی به چشم می‌خورد.

۱-۱-۲. بوطیقا و مفهوم آن

بوطیقا معرب عنوان رساله‌ای است از ارسطو درباره شاعری. در سنت و فرهنگ یونانی، واژه Poetikos در معنای شناخت ساختار ادبی به کار می‌رفت که تبارش به poesis می‌رسید و به ویژه ساختن در معنای زیبایی‌شناختی. ارسطو خود در آغاز رساله یکی از مقاصد سه‌گانه تحریر آن را پاسخ به این پرسش می‌داند که شعر خود را چگونه باید ساخت؟ حتی با توریق رساله به آسانی می‌توان دریافت که تلقی ارسطو از مفهوم بوطیقا بیشتر به جنبه‌های روایی و داستانی اثر ادبی متمرکز است تا مایه‌های شاعرانه. بنابراین به دو نکته اساسی در مورد مفهوم بوطیقا دست می‌یابیم. نکته نخستین چشم‌اندازی روش‌شناختی را پدیدار می‌سازد، این که بوطیقا رویکردی ساختاری و نظام‌مند را در اثر مورد توجه قرار می‌دهد و نکته دوم به قلمرو مصداقی این مفهوم باز می‌گردد، به ویژه به ادبیات داستانی، نمایشی و حماسی که ساختاری روایی دارند (توکلی، ۱۴۰۰: ۴۵-۴۳).

۲-۲. نقش راویان کودک در شعر پروین

تعمق در شعر پروین اعتصامی نشان می دهد که راویان صغر سن (کودک/ بچه حیوانات) در این شعر نقشی برجسته دارند. در واقع بیشتر حکایت ها در دیوان پروین با توصیف صحنه ای شروع می گردد که یا کودکی در آن صحنه سوالاتی دارد، یا از همسالان خود گلایه دارد، یا سختی های زندگی و فقر او را به سخن وا داشته است و یا بچه حیوانی است که در موقعیتی گرفتار شده است. نکته ای که در این ساختار برجستگی دارد، ورود یک پیر خردمند معمولاً والدین کودک یا حیوانات - در حکایت هایی با محوریت بچه حیوان - هستند که با ورود به حکایت، کودک گرفتار شده را راهنمایی کرده و آن موقعیت را برایش توضیح می دهند، این روش پلی ارتباطی بین پروین و خواننده است تا از طریق آن بتواند خلق معنا کند و نکته را به مخاطب روایت خود منتقل کند. بر همین اساس در شعر پروین شاهد چند ساختار ارتباطی بین راوی والد و کودک به شرح ذیل هستیم.

۱-۲-۲. ساختار شروع با سوال راوی کودکانه

در این ساختار راوی کودک در آغاز حکایت سوالی مطرح می کند که نوعی اعتراض، سادگی و بی آلاچی در کلام وی نهفته است و پروین می خواهد از بستر این ساختار به خلق معنایی دست یابد:

روزی گذشت پادشهی از گذرگهی	فریاد شوق بر سر هر کوی و بام خاست
پرسید زان میانه یکی کودک یتیم	کاین تابناک چیست که بر تاج پادشاست
آن یک جواب داد چه دانیم ما که چیست	پیداست آنقدر که متاعی گرانبهاست
نزدیک رفت پیرزنی گوژپشت و گفت	این اشک دیده من و خون دل شماست
ما را به رخت و چوب شبانی فریفته است	این گرگ سالهاست که با گله آشناست
آن پارسا که ده خرد و ملک، رهزن است	آن پادشا که مال رعیت خورد گداست
بر قطره سرشک یتیمان نظاره کن	تا بنگری که روشنی گوهر از کجاست
پروین، به کجروان سخن از راستی چه سود	کو آنچنان کسی که نرنجد ز حرف راست

(اعتصامی، ۱۳۸۴، ۸۶).

در این حکایت، راوی کودک یتیم آغازگر روایت است و درباره تاجی که بر سر پادشاست از کودکی دیگر سوال می پرسد، و کودکی دیگر در جوابش می گوید: ما نمی دانیم که چیست؟ فقط می دانیم که کالایی بسیار ارزشمند است. آنچه از مکالمه دو کودک برمی آید، ترسیم دنیایی پاک و بی آلاچی است که حتی درباره تاج پادشاه نیز اطلاعی ندارند، اما در ادامه روایت راوی همه چیز دان (پیرزنی گوژ پشت) وارد شده و خطاب به راویان کودک می گوید: این تاج اشک چشمان من و خون دل شماست! و در ادامه پادشاه را چون گرگی می داند که با گله ای آشناست و هر روز از آن گله با ترفند و کلک دزدی می کند. در لایه سوم روایت، صدای دیگری به گوش می رسد و آن ورود پروین به حکایت است:

بر قطره سرشک یتیمان نظاره کن	تا بنگری که روشنی گوهر از کجاست
پروین، به کجروان سخن از راستی چه سود	کو آنچنان کسی که نرنجد ز حرف راست

(همانجا).

در لایه سوم، پروین از گفت و گوی راوی کودک و راوی مادر(همه چیز دان) نتیجه می‌گیرد و خطاب به مخاطب(روایت شنو) می‌گوید: روشنی و جلای گوهر تاج پادشاه از پاکی اشک یتیمان است و خطاب به خود(به انگیزه خطاب قرار دادن دیگری/ مخاطب) می‌گوید: با نا اهلان(پادشاهان ظالم) از راستی سخن گفتن سودی ندارد و هیچ کسی نیست که از حرف راست و درست(حرف حق) ناراحت نشود. همان گونه که از تحلیل حکایت فوق بر می‌آید، بین راوی کودک و والد، ارتباطی گفت و گویی نهفته است که منجر به ایجاد یک پیام اخلاقی در انتهای روایت شده است، به گونه ای که می‌توان ساختار شبکه ارتباطی بین راویان و معنا در حکایت های پروین اعتصامی را به شکل زیر ترسیم کرد:



۲-۲-۲- ساختار راوی کودک با موضوعی شکایت‌آمیز

از دیگر ساختارهای راوی کودک محور در شعر پروین اعتصامی، ساختار شروع حکایت با راوی کودک گلایه کننده است. در این ساختار، راوی کودکی فقیر است که شکایتی را آغاز می‌کند و در ادامه روایت، مادرش(راوی همه چیز دان) وارد شده و به سوالات او پاسخ می‌دهد. در این ساختار راوی کودک با گفتار خود در حال ترغیب مخاطب به پذیرفتن یک واقعیت اجتماعی یا معزل فرهنگی است:

کز کودکان کوی، بمن کس نظر نداشت
آن تیر طعنه، زخم کم از نیشتر نداشت
کودک مگر نبود، کسی کو پدر نداشت
مانا که رنج و سعی فقیران، ثمر نداشت
آن شاه شد که جامه خلقان ببر نداشت
این اشک و آرزو، ز چه هرگز اثر نداشت
کو موزه‌ای بپا و کلاهی بسر نداشت
آئین کودکی، ره و رسم دگر نداشت
وین شمع، روشنائی ازین بیشتر نداشت
کس جز من و تو، قوت ز خون جگر نداشت
دینار و درهمی، پدر من مگر نداشت
از دانه‌های گوهر اشکت، خبر نداشت
چیزی بغیر تیشه و داس و تبر نداشت
رختش، گه آستین و گهی آستر نداشت
گمنام زیست، آنکه ده و سیم و زر نداشت

دی، کودکی بدامن مادر گریست زار
طفلی، مرا ز پهلوی خود بیگناه راند
اطفال را بصحبت من، از چه میل نیست
امروز، اوستاد بدرسم نگه نکرد
دیروز، در میانه بازی، ز کودکان
من در خیال موزه، بسی اشک ریختم
جز من، میان این گل و باران کسی نبود
آخر، تفاوت من و طقلان شهر چیست
هرگز درون مطبخ ما هیزمی نسوخت
همسایگان ما بره و مرغ میخوردند
بر وصله‌های پیرهنم خنده می‌کنند
خندید و گفت، آنکه به فقر تو طعنه زد
از زندگانی پدر خود می‌پرس، از آنک
این بوربای کهنه، بصد خون دل خرید
بس رنج برد و کس نشمردش به هیچ کس

طفل فقیر راه هوس و آرزو خطاست شاخی که از تگرگ نگون گشت، بر نداشت
 نساج روزگار، درین پهن بارگاه از بهر ما، قماش ازین خوبتر نداشت
 (اعتصامی، ۱۳۸۴: ۱۲۵).

روایت فوق که در نکوهش فقر و بدبختی در جامعه عصر پروین است، به صورت شکایت از طرف طفلی بیان می‌شود و در آن کودک از بی توجهی کودکان به خود، کم توجهی معلم، نقش پایین او در بازی های کودکانه، نوع خوراک و... در نزد مادرش شکایت می‌کند و مادر پس از شنیدن شکایت وی، به او جواب می‌گوید که، سرنوشت ما فقر و بدبختی بوده است و کسی انسان فقیر را ارج نمی‌نهد. ساختار این نوع حکایت ها و شبکه ارتباطی راویان کودک و والد به این صورت است که راوی کودک با انبوهی از گلایه‌ها و سوالات از مادرش می‌خواهد تا مشکل وی را برطرف کند، اما مادر این مشکلات را به سرنوشت محتوم و فقر همیشگی آنان و زندگی فقیرانه پدر کودک ربط می‌دهد و به نوعی این پیام را می‌رساند که فقر در جامعه عصر پروین ریشه دار و طولانی بوده است.

۳-۲-۲. ساختار راوی کودک گرفتار شده در یک موقعیت بغرنج

یکی از کارکردهای وجودی راوی کودک و بزرگسال در شعر پروین، ساختار راوی کودک گرفتار شده در یک موقعیت بغرنج است. ساختار شبکه ارتباطی راویان در این مقوله به این صورت است که در ابتدای حکایت با یک صحنه ای مواجه‌ایم که کودکی دچار رنجی شده است و از آن رنج گلایه می‌کند، در ادامه راوی بزرگسال وارد روایت می‌شود و ضمن دلداری دادن به کودک، او را از واقعیت امر آگاه می‌کند و به او توضیح می‌دهد به طوری که توجیه کننده باشد. این مدل از حکایت‌ها در دیوان پروین اعتصامی، دارای ساختاری هستند که در پس تحلیل این ساختار مخاطب بیرونی روایت، در یک مسیر اخلاقی به جلو حرکت کرده و نکته‌ای اخلاقی در را در پایان روایت و پس از گفت و گوی راوی کودک و بزرگسال کسب می‌کند. در اینجا برای اثبات این ادعا به تحلیل حکایت زیر از پروین اعتصامی می‌پردازیم:

خلید خار درشتی بیای طفلی خرد	بهم برآمد و از پویه باز ماند و گریست
بگفت مادرش این رنج اولین قدم است	ز خار حادثه، تیه وجود خالی نیست
هنوز نیک و بد زندگی بدفتر عمر	نخوانده‌ای و بچشم تو راه و چاه، یکیست
ز پای، چون تو در افتاده‌اند بس طفلان	نیوفتاده درین سنگلاخ عبرت، کیست؟
ندیده زحمت رفتار، ره نیاموزی	خطا نکرده، صواب و خطا چه دانی چیست
دلی که سخت ز هر غم تپید، شاد نماند	کسی که زود دل آزرده گشت دیر نزیست
ز عهد کودکی، آماده بزرگی شو	حجاب ضعف چو از هم گسست، عزم قویست
چو زخم کارگر آمد، چه سر، چه سینه، چه پای	چو سال عمر تبه شد، چه یک، چه صد، چه دویست
هزار کوه گرت سد ره شوند، برو	هزار ره گرت از پا در افکنند، بایست

در این حکایت، همان گونه که قبلا نیز بیان شد، در ابتدا شاهد شکل‌گیری یک روایت حادثه محور با شخصی کودک‌نالان هستیم. در اینجا «خاری به پای کودکی رفته و او شروع به گریه می‌کند، چرا که توان راه رفتن ندارد»، در ادامه حکایت، راوی بزرگسال (مادر) وارد صحنه می‌شود و شروع به صحبت می‌نماید «بگفت مادرش...» و حاصل گفت و گوی کودک و مادر، مخاطب بیرونی را در یک مسیر داستانی اخلاقی محور با پیامی خاص به جلو می‌برد به گونه‌ای که در انتهای حکایت شاهد انتقال یک پیام اخلاقی به روایت‌ش‌نو (مخاطب) هستیم و پیام این حکایت، این است «از همان کودکی به فکر کسب تجربه برای دوران بزرگسالی باش».

۳. رابطه مضمون و واکنش کنشگران در فرایند تولید و عینیت‌سازی معنا در شعر

پروین

در این بخش با توجه به تشابهات ساختاری روایت‌هایی با راوی کودک و بزرگسال در شعر پروین، بر آن شدیم تا بر اساس مقایسه نوع واکنش کنشگران در برابر کنشگر خطابی به بررسی تاثیر و نقش واکنش آنان بر عینیت‌سازی معنا در برخی از اشعار پروین بپردازیم. در مطالعات روایت‌شناسی بر این باوریم که، در هر داستان کنشگرانی وجود دارند، که گاه مخاطب دیگر شخصیت‌ها قرار می‌گیرند و مخاطب درون داستانی به شمار می‌آیند و چهار نوع واکنش: تایید کننده، باطل کننده، باز و غایب از خود بروز می‌دهند که نقش مهمی در عینیت‌سازی معنای روایت دارد. به زبان ساده تر می‌توان گفت: روایت در داستان زنجیره‌ای از کنش و واکنش‌ها را در بر دارد که منجر به عینیت‌سازی معنای روایت می‌شوند، به طوری که حتی نوع واکنش شخصیت‌های خطاب شده نیز در این فرایند دخیل است. در اشعار پروین اعتصامی پس از بررسی رابطه مضمون و واکنش کنشگران درون متن، بسته به مضمون روایت، به چهار نوع واکنش: تایید کننده، باطل کننده، باز و غایب دست یافته ایم که در این قسمت با ذکر نمونه‌های متنی و تحلیل آنها، چگونگی فرایند خلق معنای تعلیمی را بررسی خواهیم کرد.

۳-۱. حکایت‌هایی با روساخت متشابه در دیوان پروین

هر داستان از یک روساخت و ژرف ساخت تشکیل شده است و فرایند عینیت‌سازی معنا نیازمند گذر از روساخت و رسیدن به ژرف ساخت روایت است. «روایت‌شناسی به بررسی ساختارهای روایت (ظرف) می‌پردازد، نشانه‌شناسی روایی، به بررسی ساختارهای داستان (مظروف) علاقه مند است. در حالی که توجه اولی به بررسی ابزار مورد نیاز روایت کردن معطوف است، دومی به بررسی آنچه تعریف می‌کنیم اختصاص می‌یابد» (ژوو، ۱۳۹۴: ۶۹). با تکیه بر نشانه‌شناسی روایی، هر داستان زنجیره‌ای از اپیزودهای به هم پیوسته است که ارتباط بین آن‌ها نقش بسزایی در فرایند عینیت بخشی معنا بر عهده دارد. به عبارت دیگر هر داستان را می‌توان مجموعه‌ای از کدهای معنایی دانست که حاصل پیوند آن‌ها با یکدیگر سبب خلق معنا و پیام در روایت می‌گردد. ونسان ژوو معتقد است: «دو رکن در مرکز مطالعات نشانه‌شناسی قرار می‌گیرد: پیرنگ و شخصیت‌های داستان» (همانجا). در این بخش با تمرکز به نقش مضمونی شخصیت‌های داستانی بر آنیم تا فرایند تولید معنا در پیرنگ‌های متشابه از دیوان پروین را مورد واکاوی قرار دهیم.

در نشانه شناسی روایی اصطلاح «شخصیت داستانی» وجود ندارد. این اصطلاح به وسیله سه مفهوم که در سطوح مختلف یک روایت پدیدار می‌شوند، جایگزین شده است: کنشگر، کنش‌پذیر و نقش مضمونی. در این فرایند، کنشگر می‌تواند در سطح تبلور تحلیل‌های نشانه‌شناختی یک متن حضور یابد. یک روایت برای به ثمر نشستن نیاز به انجام پاره‌ای از کنش‌های داستانی دارد. کنشگر وجهی است که مسئولیت انجام این مهم را بر عهده دارد. کنشگر در مقام اجرا کننده بیشتر از هر مفهوم دیگری به اصطلاح سنتی شخصیت داستانی نزدیک است. کنش‌پذیر نیز واژه‌ای است برای توصیف عنصر روایی موجود در سطح بیرونی و ساخته و پرداخته تحلیل‌های نشانه‌شناختی است. و نقش مضمونی این امکان را فراهم می‌کند که معنا و نظام ارزش‌ها به واسطه شخصیت داستانی منتقل شوند (رک، لیت ولت، ۱۳۹۴: ۸۷-۸۲). حال با پیوند بین شخصیت درون داستانی در نقش مخاطب درون داستانی در حکایت‌هایی از پروین و عبور شخصیت از کنشگر داستانی به نقش مضمونی و نوع واکنش وی در حکایت، بر آنیم تا انواع واکنش مخاطب خطاب شده را در چندی از حکایت‌های پروین مورد واکاوی قرار دهیم.

۲-۳. تاییدکننده

این نوعی از واکنش مخاطب درون داستانی و منطبق بر ایدئولوژی مطرح شده در روایت دربرگرفته است (لیت ولت، ۱۳۹۸: ۵۶) و ابعاد مختلفی از معانی و مضامین مطرح شده در روایت اصلی را تفسیر و تحلیل می‌کند و تعمیم، انتقاد و تفسیر از ارکان آن به شمار می‌آید. لیت ولت درباره دامنه دربرگیری این نوع واکنش مخاطب درونی می‌گوید: «نحوه پذیرش تخیلی یک روایت دربرگرفته شده که توسط یک مخاطب درون داستانی مدیریت می‌شود، می‌تواند در برانگیختن تفاسیر متعدد و رویکردهای منتقدانه گوناگون سهیم باشد» (همان: ۵۹).

روایت دربرگرفته، هنگامی که سطوح روایی در پی یکدیگر به وجود آیند به آن راوی ای که در سطح نخست داستان و در بالاترین جایگاه قرار دارد راوی دربرگیر می‌گویند. در واقع به روایت همه‌گیری که نقش پوسته را دارد روایت دربرگیر و به روایت درون آن روایت درونه ای یا دربرگرفته گفته می‌شود (محمدی فشارکی و خدادادی، ۱۳۹۷: ۱۳۵).

دردیوان پروین اعتصامی شاهد تعدد وجودی روایت‌های دربرگرفته هستیم، که نوع واکنش مخاطب درون داستانی آن‌ها از نوع تایید کننده است، به عنوان مثال حکایت زیر، یک حکایت با روایت دربرگرفته است:

نهاد کودک خردی به سر ز گل تاجی	به خنده گفت شهبان را چنین کلاهی نیست
بگفت مادرش این رنج اولین قدم است	ز خار حادثه، تیه وجود خالی نیست
هنوز نیک و بد زندگی بدفتر عمر	نخوانده‌ای و بچشم تو راه و چاه، یکیست
ز پای، چون تو در افتاده‌اند بس طفلان	نیوفتاده درین سنگلاخ عبرت، کیست؟
ندیده زحمت رفتار، ره نیاموزی	خطا نکرده، صواب و خطا چه دانی چیست
دلی که سخت ز هر غم تپید، شاد نماند	کسیکه زود دل آزرده گشت دیر نزیست
ز عهد کودکی، آماده بزرگی شو	حجاب ضعف چو از هم گسست، عزم قویست
بچشم آنکه درین دشت، چشم روشن بست	تفاوتی نکند، گر ده است چه، یا بیست
چو زخم کارگر آمد، چه سر، چه سینه، چه پای	چو سال عمر تبه شد، چه یک، چه صد، چه
هزار کوه گرت سد ره شوند، برو	دویست هزار ره گرت از پا در افکنند، بایست

(اعتصامی، ۱۳۸۴: ۱۸۶).

در حکایت زیر شاهد یک روایت دربرگرفته، با نوع واکنش تاییدی مخاطب درون داستان هستیم. در این حکایت، راوی کودک به عنوان راوی اصلی و بالادست، شروع به نقل روایتی کرده است و در دل این روایت روایت حکیمی را آورده است که هم روایت درونه ای است و هم حکیم مخاطب درون داستانی است که اظهارات کودک را تایید می‌کند. در واقع کودک به دلیل بی-آلایشی و از سر سادگی تاجی بر سر خود گذاشته و در عالم تخیل خود را پادشاه می‌داند، حکیمی دانا که مخاطب اوست، بر ادعای او صحنه گذاشته و بر آن مهر تایید می‌زند. این فرایند تایید توسط مخاطب درون داستانی در بوطیقای پروین سبب خلق معنا شده است. به گونه‌ای که ادله حکیم دانا در برابر کودک (راوی نامعتبر به دلیل صغر سن، اما بی‌آلایش و پاک) منجر به خلق مولفه‌های جدیدی از پادشاهی پاک و ایده‌آل در عصر پروین شده است که منحصر به اتوپیایی خیالی است و نوعی اعتراض به زمانه پروین را نشان می‌دهد. در واقع فرایند واکنش تاییدی مخاطب درون داستانی که پیری حکیم است، سبب توسعه و بسط معنایی منطبق بر زمان و مکانی خاص در شعر پروین شده است.

نهاد کودک خردی بسر، ز گل تاجی	بخنده گفت، شهبان را چنین کلاهی نیست
چو سرخ جامه من، هیچ طفل جامه نداشت	بسی مقایسه کردیم و اشتباهی نیست
خلیقه گفت که استاد یافت بهبودی	نشاط بازی ما، بیشتر ز ماهی نیست
ز سنگریزه، جواهر بسی بتاج زدم	هزار حیف که تختی و بارگاهی نیست
برو گذشت حکیمی و گفت، کای فرزند	مبهرن است که مثل تو پادشاهی نیست
هنوز روح تو ز الایش بدن پاکست	هنوز قلب تو را نیت تباهی نیست
بغیر نقش خوش کودکی نمی‌بینی	بنقش نیک و بد هستیت، نگاهی نیست
ترا بس است همین برتری، که بر در تو	بساط ظلمی و فریاد دادخواهی نیست
تو، مال خلق خدا را نکرده‌ای تاراج	غذا و آتش، از خون و آشک و آهی نیست...

(اعتصامی، ۱۳۸۴: ۳۱۸)

۳-۳- واکنش باطل‌کننده:

در واقع واکنش مخاطب درون داستانی به ادعا یا عمل راوی است به گونه‌ای که خلاف نظر راوی باشد. ژپ لینت ولت معتقد است این نوع واکنش «در تضاد با ایدئولوژی منعکس شده در روایت درونی است» (لینت ولت، ۱۳۹۸: ۵۶). در واقع می‌توان گفت هر گاه در روایتی ادعایی کند که مخاطب درون داستانی آن را نفی کند یا با آن مخالف باشد، واکنش از نوع واکنش باطل‌کننده است که خود منجر به خلق معنا در روایت می‌شود. به نظر می‌رسد نوع واکنش مخاطب درون داستانی وابسته به فرایندها و عناصر متنی و فرامتنی بسیاری منجر به خلق معنا می‌شود. به عنوان مثال در حکایت زیر از پروین اعتصامی، راوی کودک در روایت درونی ایدئولوژی ای دارد که مخاطب درون داستانی - که راوی دانایی است / مادر - آن را باطل می‌کند و با بسط دادن ابطال و انگیزه‌های آن خلق معنا می‌کند.

کیوتر بچه‌ای با شوق پرواز بجزئت کرد روزی بال و پر باز

پرید از شاخکی بر شاخساری
 نمودش بسکه دور آن راه نزدیک
 ز وحشت سست شد بر جای ناگاه
 گه از اندیشه بر هر سو نظر کرد
 نه فکرش با قضا دمساز گشتن
 نه گفتمی کان حوادث را چه نامست
 نه چون هر شب حدیث آب و دانی
 فتاد از پای و کرد از عجز فریاد
 کزینسان است رسم خودپسندی
 بدین خردی نیاید از تو کاری
 ترا پرواز بس زودست و دشوار
 بیاموزندت این جرئت مه و سال
 هنوزت دل ضعیف و جثه خرد است
 هنوزت نیست پای برزن و بام
 بیاید هر دو پا محکم نهادن
 پریدن بی پر تدبیر، مستی است
 من اینجا چون نگهبانم، تو چون گنج
 تو هم روزی روی زین خانه بیرون
 از این آرامگه وقتی کنی یاد
 مرا در دامها بسیار بستند
 گه از دیوار سنگ آمد گه از در
 نگرده شاخک بی بن برومند

گذشت از بامکی بر جو کناری
 شدش گیتی به پیش چشم تاریک
 ز رنج خستگی درماند در راه
 گه از تشویش سر در زیر پر کرد
 نه اش نیروی زان ره بازگشتن
 نه راه لانه دانستی کدامست
 نه از خواب خوشی نام و نشانی
 ز شاخی مادرش آواز در داد
 چنین افتند مستان از بلندی
 به پشت عقل باید بردباری
 ز نو کاران که خواهد کار بسیار
 همت نیرو فزاید، هم پر و بال
 هنوز از چرخ، بیم دستبرد است
 هنوزت نوبت خواب است و آرام
 از آن پس، فکر بر پای ایستادن
 جهان را گه بلندی، گاه پستی است
 ترا آسودگی باید، مرا رنج
 ببینی سحرزبهای گردون
 که آتش برده خاک و باد بنیاد
 ز بالم کودکان پرها شکستند
 گهم سرپنجه خونین شد گهی سر...
 ز تو سعی و عمل باید، ز من پند
 (اعتصامی، ۱۳۸۴: ۳۱۸)

در این حکایت با کبوتر بچه ای مواجهیم که با تکیه بر قدرت اندک خود سودای پرواز در سر دارد و به گونه‌ای به مرارت های ایام بی توجه و به تلخی‌های روزگار بی‌اعتنا است، اما مادرش به عنوان مخاطب درون متن به سخن آمده و او را از تجربیات خود آگاه می‌کند و سختی‌های مسیر زندگی را برای او شرح می‌کند. روایت درونه‌ای همان حکایت مادر از سختی‌های روزگار و مشکلات مسیر پیشرفت و زندگی است. بیت:

کزینسان است رسم خودپسندی
 چنین افتند مستان از بلندی
 (اعتصامی، ۱۳۸۴: ۳۱۸)

مادر به عنوان مخاطب درون‌داستانی و راوی روایت درونه‌ای، ادعای غرور و خودپسندی کودک را باطل می‌کند و واکنشی باطل کننده دارد. این واکنش مادر/ راوی روایت درونه ای یا مخاطب درون‌داستانی به نوعی در بسط و تولید معنا نقشی برجسته بر عهده دارد و باعث خلق معانی گوناگونی از قبل: سرزنش خودپسندی و غرور، بی‌تجربگی و خامی و... گردیده است. درواقع می‌توان گفت نوع واکنش مخاطب درون متنی در روایت های پروین اعتصامی سبب خلق دو لایهٔ روستا و ژرف ساخت روایت شده است.

روساخت روایت همان وجود راوی بی آرایش کودک و مادری خردمند است، اما ژرف ساخت روایت در بستر یک ارتباط پیچیده اعم از روایت‌پردازی، انواع راویان، روایت درونه‌ای و نوع واکنش مخاطبان سبب خلق معانی متعدد اخلاقی و تعلیمی گردیده است.

۴-۳- واکنش باز- استفهامی

منظور از واکنش باز- استفهامی مخاطب درون متنی، «تمامی راهبردهای روایتی است که خواننده را مورد سوال قرار می‌دهند و به نوعی به دنبال راه اندازی تفسیرهای فردی وی هستند» (لینت ولت، ۱۳۹۸: ۶۱). این نوع واکنش می‌تواند همواره باز بماند و قصد آن ایجاد سوالاتی در ذهن مخاطبان است. این ابزار روایتی در بسیاری از حکایت‌های بوستان سعدی و اسرارنامه عطار نیز دیده می‌شود و راوی با سوال از مخاطب او را در استفهام و پرسش فرو می‌برد. در دیوان پروین اعتصامی نیز گاه با واکنش باز- استفهامی مخاطب درون متن مواجهیم، به طوری که مخاطب را به تفکر وا می‌دارد. در حکایت «اشک یتیم» با مطلع:

روزی گذشت پادشهی از گذرگهی فریاد شوق از سر هر کوی و بام خاست
(اعتصامی، ۱۳۸۴: ۱۴۴)

شاهد واکنش باز- استفهامی مخاطب در انتهای حکایت هستیم و بیت پایانی حکایت چنین است:

پروین، به کجروان سخن از راستی چه سود کو آنچنان کسی که نرنجد ز حرف راست؟
(همانجا)

در این حکایت- همان گونه که قبلاً نیز گفته شد- راوی کودک با بی‌آیشتی درباره تاج پادشاه سوال می‌کند، در ادامه پیرزن با جوابی خردمندانه او را آگاه می‌کند و پرده از زیبایی تاج بر می‌دارد و خوی درندگی و دربوزگی پادشاه را بر ملا می‌کند. در انتهای روایت پروین با خودخطابی، پایانی باز و استفهامی خلق می‌کند که نیاز به تفسیر فراوان دارد و به نوعی پادشاهان را کجروهایی می‌داند که از سخن راست و درست بر فروخته می‌شوند و نمی‌توان با زبان منطق با آنان سخن گفت. این طرح سوال در انتهای متون اخلاقی مسبوق به سابقه است و سنایی نیز در «حکایت اندر بی وفایی یار» در بیت آخر می‌گوید:

من وفایی ندیده ام ز خسان
گر تو دیدی سلام من برسان!
(سنایی، ۱۳۸۶: ۵۴)

واکنش باز یا استفهامی به نوعی خلق یک پایان بی‌انتهاست که نیازمند تفسیر و تحلیل بسیار است و بسته به زمان و متن خلق شده در آن زمان می‌توان مفاهیم و معانی متعددی از آن برداشت کنیم. چرا که به زعم مارسل دانسی^۲ «متون روایی برای انواع مختلف انگیزه‌های گوناگون اجتماعی و فکری ایجاد می‌شوند و یکی از هدف‌های مرکزی در کاربست‌های نشانه-شناسی معاصر هستند» (دانسی، ۱۳۹۸: ۱۹۳).

۴. نتیجه

نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که پروین اعتصامی در دیوان خود از بوطیقای با دو ویژگی ساختاری مهم بهره می‌برد. یکی وجود راوی کودک (آغاز روایت با راوی کودک) و اعتراض کودک به مشکلات اجتماعی است که این کودک به دلیل صغر سن راوی‌ای پاک و بی‌آلایش است و در ادامه یک بزرگسال (معمولا مادر) به روایت ورود می‌کند و به پرسش‌های اعتراضی این راوی کودک پاسخ می‌دهد و در این شبکه ارتباطی بین راویان کودک و بزرگسال، فرایند خلق معنا بروز می‌کند. ویژگی دیگر بوطیقای پروین وجود سه گونه راوی کودک در شعر وی است: راوی کودکی که با سوال آغاز می‌کند، راوی کودکی که از مساله ای بفرنج در عذاب است و راوی کودکی که در وضعیتی شکایت دارد. وجود این سه آغاز سه ساختار و فرایند معنای خاص در دیوان پروین را شکل داده است. دستاورد دیگر پژوهش حاضر این است که سه نوع واکنش مخاطب درون متنی شامل واکنش تاییدکننده، واکنش باطل و واکنش باز – استفهامی بر اساس نظریه لیت ولت در دیوان پروین اعتصامی به چشم می‌خورد که هر یک از این انواع در فرایند خلق و بسط معنای تعلیمی روایت دخیل هستند و در دل روایت درونه ای فرایند خلق معنا را عمق و گسترش می‌بخشند.

منابع

- اعتصامی، پروین (۱۳۸۴)، دیوان پروین اعتصامی، تهران: شباهنگ.
 توکلی، حمید رضا (۱۴۰۰)، از اشارت های دریا- بوطیقای روایت در مثنوی، تهران: مروارید.
 چوبک، صادق (۱۳۸۲)، نقد و تحلیل آثار چوبک، به کوشش حسن محمودی، تهران: روزگار.
 حکیمی، محمود و کاموس، مهدی (۱۳۸۴)، مبانی ادبیات کودک و نوجوان، تهران: آرون.
 دانسی، مارسل (۱۳۹۸)، جستاری در باب معنا، ترجمه ابراهیم رهنما، تهران: کوله پستی.
 ژوو، ونسان (۱۳۹۴)، بوطیقای رمان، ترجمه نصرت حجازی، تهران: علمی و فرهنگی.
 سلیمانی، محسن (۱۳۷۵)، فن داستان نویسی، تهران: امیرکبیر.
 سنایی، ابوالمجد مجدود آدم (۱۳۸۶)، حدیقه سنایی، به کوشش مدرس رضوی، تهران: امیرکبیر.
 کادن، جی ای (۱۳۸۰)، فرهنگ توصیفی ادبیات و نقد، ترجمه کاظم فولادوند، تهران: شادگان.
 گری، مارتین (۱۳۸۲)، فرهنگ اصطلاحات نقد ادبی، ترجمه منصوره شریف زاده، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
 لیت ولت، ژپ (۱۳۹۸)، ابعاد روایت پردازی، مضمون، ایدئولوژی، هویت، ترجمه نصرت حجازی، تهران: علمی و فرهنگی.
 هاتفی، محمد (۱۳۹۹)، عبور از گفتمان، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

Etesami, parvin(2005), Parvin Etesami Court, Tehran: SHabahang. [In Persian].

Tavakoli, hamid reza (2021), From the sea-to-the-movement narratives in Mathnavi, Tehran: Morvarid. [In Persian].

Chubak, Sadeq (2003) Review and analysis of Chubak's works, to the efforts of Hassan Mahmoudi, Tehran: Rouzegar. [In Persian].

Hakimi, Mahmoud and Kamos, Mehdi (2005), Principles of Child and Adolescent Literature, Tehran: Aaron. [In Persian].

- Dancy, Marsel (2019), searching for meaning, translation of Ibrahim Rahnema, Tehran: Backpack. [In Persian].
- Jov, vansan.(2015), Revival of the novel, Nusrat Hejazi translation, Tehran: Scientific and Cultural. [In Persian].
- Soleimani, mohsen. (1996), Fans of Story Writing, Tehran: Amir Kabir. [In Persian].
- senai, abul-majed mojdod adam.(2007), Haditha Sanaei, to the efforts of Razavi Lecturer, Tehran: Amir Kabir. [In Persian].
- Cadden, J. E. (2001), Descriptive Culture of Literature and Criticism, Translation of Kazem Fouladvand, Tehran: Shadegan. [In Persian].
- Gary, martin. (2005) Culture of Literary Criticism, Translator of Mansoureh Sharifzadeh, Tehran: Institute of Humanities and Cultural Studies. [In Persian].
- Lint Volt, Jap.(2019) Narrative, themed, ideology, identity, translation of Nusrat Hejazi, Tehran: Scientific and Cultural. [In Persian].
- Hatfei, mohammed. (2020), Passing Discourse, Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies. [In Persian].

